



A Jurisprudential Study of the Theory of Connection and Mixing in the Treatment of Polluted Water¹

Mahdi Erfanian² Mohammad Jafar Harandi³ Sayyid Ali Hosseini⁴

Received: 27/09/2020

Accepted: 06/04/2021

Abstract

Increasing population and rapid industrialization and declining quality of water resources around the world have placed limitations on water use. Therefore, one of the solutions to fix this problem is the use of unconventional water and wastewater treatment and its use in various applications of drinking, agriculture, and health. Despite the fact that this issue has been studied in detail from a technical and engineering point of view, but unfortunately from a jurisprudential point of view, the method of purifying polluted water from wastewater has not been dealt with. One of the important issues that jurists have dealt with in the matter of the method of purification of polluted waters is whether the treated wastewater is purified after the decay of the three attributes (smell, taste, and flavor) as soon as it is connected to the Asem waters (water which is considered inherently pure, and therefore may be used to purify oneself.) or not. There are two main views on this in jurisprudence. Some believe in the theory of connection and others believe that connection is not enough and mixing is a condition in addition to connection. In this paper, by explaining the jurisprudential background of the subject, the jurisprudential arguments of those who believe in the two theories of connection and mixing have been examined and Mukhtar's point of view has been explained in this regard. In this paper, Mukhtar believes in the theory of connection and the most important reason for proving this theory is Ibn Bazi's narrative from Imam Reza.

Keywords

Jurisprudence, pure water, impure water, connection, mixing, wastewater.

1. This article is taken from the doctoral dissertation entitled Jurisprudential study of the quality of purification of polluted water and its jurisprudential rulings.
2. PhD student in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Yadegar Imam Khomeini Branch, Tehran, Iran. Mahdi.erfanian138@gmail.com
3. Associate Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Yadegar Imam Khomeini Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author). harandi_lawyer@yahoo.com
4. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. sa_114@yahoo.com

* Erfanian, m., & Jafari Harandi, M., & Hosseini, s. a. (2021). A Jurisprudential Study of the Theory of Connection and Mixing in the Treatment of Polluted Water. *Journal of Fiqh*, 28(105), pp.123-150. Doi: 10.22081/jf.2021.58937.2140.

بررسی فقهی نظریه اتصال و امتزاج در تصفیه آب‌های آلوده^۱

مهدی عرفانیان^۲
محمد جعفری هرندی^۳
سیدعلی حسینی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

چکیده

افزایش روزافزون جمعیت و رشد شتابان صنعتی شدن و کاهش کیفیت منابع آب در سطح جهان محدودیت‌هایی را برای استفاده از آب ایجاد کرده است. به همین دلیل یکی از راهکارهای حل این معضل، استفاده از آب‌های نامتعارف و تصفیه فاضلاب و استفاده از آن در مصارف مختلف شرب، کشاورزی و بهداشت است. علی‌رغم اینکه به لحاظ فنی و مهندسی به این موضوع به تفصیل پرداخته شده است، ولی متأسفانه به لحاظ فقهی به شیوه تطهیر آب‌های آلوده ناشی از فاضلاب پرداخته نشده است. یکی از موضوعات مهمی که فقها در موضوع شیوه تطهیر آب‌های آلوده بدان پرداخته‌اند آن است که آیا فاضلاب تصفیه شده بعد از زوال اوصاف ثلاثه (بو، طعم و مزه) به مجرد اتصال به آب‌های عاصم تطهیر می‌شود یا خیر. در این باره دو نظر عمده در فقه وجود دارد؛ عده‌ای قائل به نظریه اتصال شده و برخی دیگر معتقدند که اتصال کفایت نمی‌کند و امتزاج نیز علاوه بر اتصال شرط است. در این مقاله سعی شده است با تبیین پیشینه فقهی موضوع، ادله فقهی قائلان دو نظریه اتصال و امتزاج مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه مختار در این باره تبیین شود. دیدگاه مختار در این مقاله، نظریه اتصال بوده و مهم‌ترین دلیل اثبات این نظریه، روایت ابن‌بزیع از امام رضا علیه السلام است.

کلیدواژه‌ها

فقه، آب پاک، آب نجس، اتصال، امتزاج، فاضلاب.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان بررسی فقهی کیفیت تطهیر آب‌های آلوده و احکام فقهی آن می‌باشد.
۲. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی علیه السلام شهرری، تهران، ایران. Mahdi.erfanian138@gmail.com
۳. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی علیه السلام شهرری، تهران، ایران (نویسنده مسئول). harandi_lawyer@yahoo.com
۴. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. sa_114@yahoo.com

* عرفانیان، مهدی؛ جعفری هرندی، محمد؛ حسینی، سیدعلی. (۱۴۰۰). بررسی فقهی نظریه اتصال و امتزاج در تصفیه آب‌های آلوده. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۲۸(۱۰۵)، صص ۱۲۳-۱۵۰.

Doi: 10.22081/jf.2021.58937.2140.



فقه

۱. بیان مساله

موضوع آب و مدیریت آن به‌عنوان یکی از مباحث اصلی در سطح کشور، منطقه و دنیا مطرح است. همگام با افزایش روزافزون جمعیت و رشد شتابان صنعتی شدن، از جمله چالش‌های پیش روی جوامع، کاهش کیفیت منابع آب و مدیریت پساب برای دستیابی به توسعه پایدار است. از این رو در اهداف توسعه همواره بر دسترسی پایدار به آب آشامیدنی و همچنین برخورداری از بهداشت مناسب محیط، از قبیل دفع بهداشتی فاضلاب تأکید شده است. در این باره تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که به‌سازی آب، رابطه مستقیمی با کاهش بیماری‌های عفونی دارد؛ به طوری که پس از تأمین آب آشامیدنی سالم، میزان مرگ و میر و با ۷۴.۱ درصد، حصه ۶۳.۳ درصد، اسهال خونی ۲۳.۱ درصد و اسهال ۴۲.۷ درصد کاهش یافته است (یوسفی و مهدیان، ۱۳۹۳، ص ۱).

رابطه مستقیم تصفیه فاضلاب‌ها و پساب‌ها با بهداشت و سلامت مردم و فواید متعدد محیط‌زیستی آن، کشورها را به این سمت سوق داده است که فاضلاب‌ها را تصفیه و بازچرخانی نموده و مجدداً از آن در مصارف مختلف مانند شرب، بهداشت، کشاورزی و صنعت استفاده شود. امروزه تصفیه فاضلاب در کشورهای پیشرفته دنیا مانند آمریکا، انگلیس، فرانسه و... امری پذیرفته شده و قابل قبول است. در ایران نیز پس از تصویب و ابلاغ قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب در دی ۱۳۹۶، توجه جدی و اهتمام ویژه‌ای به موضوع جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب به‌عنوان یکی از وظایف اصلی و بنیادین این شرکت‌ها شده است (قانع و قنادی، ۱۳۹۶، صص ۴۷-۵۰).

باید گفت با توجه به اهمیت تصفیه فاضلاب برای داشتن محیط‌زیست سالم، امروزه در دنیا و ایران به مباحث فنی و مهندسی آب‌های آلوده و تصفیه و بازیافت آن به‌صورت گسترده پرداخته شده است، ولی متأسفانه مطالعات جامع درباره ابعاد و زوایای مختلف فرهنگی و حقوقی به‌طور عام، و ابعاد فقهی و شرعی برای مسلمانان به‌صورت خاص، صورت نگرفته است و همین مسئله باعث شده است که این مقوله مورد توجه عموم مردم و مسئولان واقع نشده و مطالعات و تحقیقات فنی و مهندسی نیز به نتایج مطلوب منجر نشود. لذا ضروری است ابعاد و زوایای مختلف فقهی-حقوقی بازیافت



فقه

آب‌های آلوده به صورت عالمانه و محققانه مورد توجه واقع گردد.

اهمیت پرداختن به ابعاد فقهی تصفیه فاضلاب از آنجا بیشتر مشخص می‌شود که در راهنماهای سازمان سلامت جهانی، علاوه بر مسائل فنی، فاکتورهای فرهنگی و مذهبی نیز به رسمیت شناخته شده است. این مورد برای موفقیت استفاده مجدد آب برای مصارف مختلف حائز اهمیت است. سازمان بهداشت جهانی گزارش می‌دهد که مسائل اجتماعی در برخورد با زائدات انسانی تصفیه نشده از حد انزجار تا حد پذیرش متغیر است (کیهانیان و چوبانوگوس، ۱۳۹۷، ص ۶۵).

یکی از مسائل و چالش‌های فقهی تصفیه فاضلاب و پساب‌ها در کشور، شیوه تطهیر و احکام مربوط به آن است. این مطلب که فاضلاب تصفیه شده که هیچ کدام از اوصاف سه گانه نجاست (بو، طعم و مزه) را ندارد، محکوم به نجاست است، مسئله‌ای اجماعی در بین فقها است، ولی سؤال اساسی آن است که شیوه طهارت فاضلاب تصفیه شده - که اوصاف سه گانه از آن زائل شده - چگونه است؟ درباره شیوه تطهیر فاضلاب‌ها در فقه امامیه به طور عمده دو نظریه مطرح است: بعضی فقها در این باره قائل به نظریه اتصال شده‌اند؛ بدین معنا که برخی فقها صرف اتصال آب‌های آلوده بعد از زوال اوصاف ثلاثه (بو، رنگ و مزه) به آب‌های عاصم را برای تطهیر آب‌های آلوده کافی دانسته‌اند، لیکن برخی دیگر از فقهای امامیه در این باره قائل به نظریه امتزاج شده‌اند. به اعتقاد قائلان نظریه امتزاج، اتصال آب‌های آلوده به آب در طهارت فاضلاب کفایت نمی‌کند و علاوه بر اتصال آن به آب‌های عاصم مثل آب کر، آب جاری و آب باران، امتزاج و مخلوط شدن نیز لازم است.

۲. بیان مفردات تحقیق

۲-۱. آب طاهر

طهارت از ریشه «ط ه ر» در لغت به معنای ضد حیض و ضد نجاست است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۵۰۴) و همچنین در تعریف طهارت آمده است: «هُوَ النَّقَاءُ مِنَ الدَّنَسِ وَ النَّجَسِ»؛ طهارت پاک بودن از نجاست و آلودگی است (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۹). واژه «ط





ه ر) و مشتقات آن ۳۱ بار در قرآن کریم به کار رفته است. علامه طباطبایی در معنای طهارت در قرآن کریم معتقد است مراد از طهارت در قرآن، «طهارت از همه انواع قذارت‌ها و مکارهی است که مانع از تمامیت الفت و التیام و انس می‌شود؛ چه قذارت‌های ظاهری و خلقتی، و چه قذارت‌های باطنی و اخلاقی» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۹).

در اصطلاح فقهی، آب طاهر به همان معنای لغوی استعمال می‌شود؛ یعنی آبی که از هرگونه قذارت و نجاست و پلیدی دور باشد. در واقع آب طاهر آبی است که اوصاف سه‌گانه نجاست نداشته باشد و رنگ، بو و طعم آن دچار تغییر نشده باشد. از انواع آب‌های پاک (مطلق) در فقه می‌توان به آب کر، آب جاری، آب باران و آب چاه اشاره کرد که این‌گونه آب‌ها معتصم هستند و در ملاقات با نجاست نجس نمی‌شوند، مگر اینکه رنگ یا بو یا طعم آن تغییر کند. به اعتقاد فقها، چنین آبی نه تنها خود پاک است، بلکه مزیل خبث و حدث خواهد بود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۶).

۲-۲. آب نجس

نجاست در لغت به قذارت، چرکین بودن و ضد نظیف و نظافت است؛ در این باره در کتاب العین در معنای نجاست آمده است: «کل شیء قذرتة فهو نَجَسٌ»؛ هر چیز چرکین و غیرنظیف نجس است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۵۵) و در لسان العرب درباره نجاست آمده است: «القَذِرُ من الناس ومن كل شیء قَذِرْتُهُ» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲۶). همچنین در قاموس و اقرب الموارد، نجاست ضد طاهر معنا شده است (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۹۴). راغب اصفهانی نیز در معنای نجاست گفته است: «نَجَاسَةٌ بمعنی قَذَارَةٌ است و آن دو نوع است؛ یکی آنکه با چشم قابل درک است، دیگری با بصیرت. خداوند مشرکان را با وجه دوّم وصف کرد که فرموده: **إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ**» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۹۱).

در اصطلاح فقهی، آب نجس عبارت است از آبی که استفاده از آن در اموری که مشروط به طهارت است، همچون آشامیدن، وضو و غسل، جایز و صحیح نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۹۹). بنابر قول مشهور فقها، آب قلیل به صرف ملاقات نجس نجس می‌شود، ولی آب کر یا جاری با حصول تغیر در یکی از اوصاف رنگ، بو یا

طعم به وسیله نجاست، نجس می شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۳۲، ۳۴).

۲-۳. فاضلاب تصفیه شده

فاضلاب^۱ به معنای آب زائد، فضولات مایع است و امروزه به آبراهه‌هایی اطلاق می‌شود که آب زائد و کثافات از آن عبور می‌کند و به خارج شهر می‌رود. تصفیه نیز در لغت به معنای پاک کردن، صاف کردن و خالص کردن است (معین، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۵۹). به طور کلی فاضلاب تصفیه شده به معنای فرایند زدودن آلاینده‌ها از پساب، به ویژه فاضلاب خانگی است که شامل فرایندهای شیمیایی، فیزیکی و بیولوژیکی برای زدودن این آلاینده‌ها و تأمین فاضلاب تصفیه شده است که برای محیط زیست بی خطر است. معمولاً برای تصفیه فاضلاب‌ها، آنها را از نقاط مصرف آب (منازل، مراکز آموزشی، مراکز تجاری و واحدهای صنعتی) جمع‌آوری و از طریق شبکه‌های فاضلاب به تصفیه‌خانه فاضلاب انتقال می‌دهند. در تصفیه‌خانه‌های فاضلاب، پس از انجام مراحل مختلف، از فاضلاب، این ماده آلوده و بیماری‌زا، آب سالم عاری از آلودگی به دست می‌آید که می‌توان در مصارف گوناگون از آن استفاده نمود.

۳. موضوع‌شناسی تحقیق

امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا فاضلاب را با روش‌های مختلف تصفیه کرده و آن را در مصارف مختلف مورد استفاده قرار می‌دهند. دسته‌بندی کلی فرآیندهای مورد باز جهت تصفیه و بازیافت فاضلاب به صورت کلی عبارتند از تصفیه مقدماتی، تصفیه اولیه، تصفیه ثانویه، تصفیه ثانویه با حذف نیتروژن، حذف فسفر (بیولوژیکی-شیمیایی)، حذف پیشرفته جامدات معلق، کلوئیدی و محلول (انعقاد نرم‌سازی)، حذف جامدات معلق باقی‌مانده (فیلتراسیون)، حذف جامدات کلوئیدی باقی‌مانده (فیلتراسیون غشایی)، حذف جامدات محلول باقی‌مانده (فیلتراسیون غشایی)، حذف ترکیبات و عناصر ویژه



فصل



باقی مانده (فرایندهای متعدد) و گندزدایی (حذف یا غیرفعال سازی میکرواورگانیزم‌ها). منظور از تصفیه مقدماتی در فرایند تصفیه فاضلاب، جدا کردن مواد زائد اضافی داخل فاضلاب است که عموماً آشغال نامیده می‌شود و به کمک آشغال گیرها جدا می‌شود. همچنین تصفیه اولیه شامل روش‌های ته‌نشین سازی اولیه و جدا کردن ذرات معلق است. این امر می‌تواند به کمک متعادل‌ساز و تأمین زمان ماند مناسب میسر شود. با اینکه در این مرحله نیز مقداری از بار آلودگی فاضلاب کاهش می‌یابد، ولی تصفیه اصلی فاضلاب با هدف کاهش بار آلودگی در مرحله تصفیه ثانویه انجام می‌گیرد. در این مرحله از وجود باکتری‌ها جهت تصفیه استفاده می‌شود. البته باکتری‌ها جهت انجام این کار به اکسیژن زیادی نیاز دارند که از طریق روش‌های مختلفی قابل تأمین است.

زالال‌سازی نهایی مرحله بعدی است؛ در این مرحله فاضلاب خروجی از تصفیه ثانویه وارد تانک ته‌نشین نهایی می‌شود تا لخته‌های متراکم از فاضلاب جدا شده و پساب زلال از روی تانک به واحد گندزدایی منتقل شود. در واحد زلال‌سازی نهایی، میکروب‌های ته‌نشین شده از فاضلاب، لجن ثانویه را تشکیل می‌دهند و قسمتی از این لجن دوباره به واحد تصفیه ثانویه برگشت داده می‌شود که اصطلاحاً به آن لجن فعال گفته می‌شود. آخرین عملیاتی که بر روی فاضلاب در تصفیه‌خانه انجام می‌شود، ضدعفونی کردن است؛ برای نابودسازی میکروب‌های بیماری‌زای موجود در فاضلاب، آن را ضدعفونی می‌کنند. جهت گندزدایی، از موادی همچون کلر، گاز ازن و یا شعله ماورای بنفش استفاده می‌شود. بعد از این مرحله، آب را می‌توان برای مصارف مختلف مورد استفاده قرار داد (علیزاده، ۱۳۸۸، صص ۹۰-۹۲).

فاضلاب تصفیه شده امروزه در مصارف مختلف مثل کشاورزی، محیط‌زیست و... مورد استفاده قرار می‌گیرد و از جمله مصارف در دنیا، مصرف شرب و آشامیدن است. البته در کشور ما از این گونه آب‌ها در مصرف شرب استفاده نمی‌شود و برنامه‌ای نیز در قوانین و طرح‌های آبی کشور در این باره وجود ندارد و با توجه به امکان تأمین آب به طرق دیگر، این روش توصیه هم نمی‌شود، ولی در سایر کشورها، فاضلاب تصفیه شده

حتی برای شرب مورد استفاده واقع می‌شود. به عنوان مثال در ایالات متحده امریکا، آب تصفیه شده در مصارف خانگی و آشامیدن مدنظر است. استفاده از فاضلاب تصفیه شده جهت شرب (DPR) در امریکا به دو نوع است: در نوع اول، آب تصفیه شده پیشرفته به منبع آب خام در بالادست تأسیسات تصفیه آب آشامیدنی اضافه می‌شود، و در نوع دوم، آب تهیه شده نهایی از طریق تأسیسات تصفیه پیشرفته آب که اجازه مصرف شرب را دارد، مستقیماً به سیستم توزیع آب شرب اضافه می‌شود (کیهانیان و جویانوگوس، ۱۳۹۷، صص ۸-۱۰). علاوه بر امریکا، در کشورهای دیگر مثل سنگاپور نیز به دلیل محدودیت منابع آب شرب، استفاده از پساب به عنوان آب آشامیدنی را به سرانجام رسانده‌اند (رضایی و سعادت، ۱۳۹۷، صص ۲۱۴-۲۲۵).

به لحاظ فقهی، فاضلابی که به صورت کامل به وسیله تأسیسات پیشرفته تصفیه شده، به مخازن خاص انتقال یافته است، و دارای اوصاف سه گانه نجاست (رنگ، بو و مزه) نیست، به اجماع فقها این گونه آب‌ها مشمول ادله نجاست است و برای تطهیر آن باید روش‌های مذکور مدنظر واقع شود:

اول، اتصال به آب معتصم: بر اساس این دیدگاه، اگر آب تصفیه شده - که دارای اوصاف سه گانه نباشد - به آب معتصم متصل شود، برای تطهیر کافی است (آب معتصم نیز آبی است که در ملاقات نجاست نجس نشود؛ مثل آب کر یا باران).
دوم، مخلوط شدن و درهم آمیختگی (امتزاج): بر اساس این دیدگاه، در آب تصفیه شده برای طاهر شدن باید امتزاج و آمیختگی اتفاق افتد، به طوری که اجزای آب نجس در آب طاهر مستهلک شود و این آمیختگی و امتزاج می‌تواند به لحاظ فنی با دستگاه‌ها یا تجهیزات پیچیده‌ای اتفاق بیفتد که بتواند حجم بسیار زیادی از آب‌ها را بر هم زند تا آمیختگی و امتزاج به طور کامل محقق شود.

۴. پیشینه تحقیق

شیوه تطهیر آب‌های آلوده و متنجس از قدیم‌الایام در فقه امامیه پیشینه داشته است و فقها به این مسئله پرداخته‌اند. همان‌طور که بیان شد، دیدگاه اول در طهارت آب‌های





متنجس نظریه امتزاج است که برخی از فقهای متقدم، متأخر و معاصر قائل به این نظریه هستند. از فقهای متقدم که قائل به نظریه امتزاج شده‌اند، می‌توان به علامه حلی در تذکره (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳) و محقق حلی در المعبر (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۰) اشاره کرد. علاوه بر این، فقهای متأخر مانند شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۵) و صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۳۶) از قائلان نظریه امتزاج هستند. از فقهای معاصر و مراجع تقلید نیز امام خمینی علیه السلام (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴)، فاضل لنکرانی (فاضل لنکرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶) قائل به نظریه امتزاج شده‌اند.

دیدگاه دیگر فقهای امامیه در شیوه تطهیر آب‌های متنجس نظریه اتصال است. از فقهای متقدم، محقق کرکی قائل به نظریه اتصال است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳۶). بعد از ایشان نیز فقهایی مثل شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۵۴) قائل به این دیدگاه بوده‌اند. همچنین از فقهای متأخر که قائل به نظریه اتصال در تطهیر آب‌های متنجس هستند، می‌توان به صاحب عروه (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۳)، سید محسن حکیم (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۹۸)، محقق اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۲۰۴) و محقق سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۸) اشاره کرد.

از فقهای معاصر و مراجع تقلید که قائل به دیدگاه اتصال هستند می‌توان از فقهایی مثل سید محمدباقر صدر (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶۹)، سید ابوالقاسم خویی (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۵)، محمدتقی بهجت (بهجت، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۲) و میرزا جواد تبریزی (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۸) نام برد.

مطلب دیگری که در این باره وجود دارد آن است که اکثریت فقهایی که قائل به نظریه اتصال یا امتزاج در تطهیر آب‌های آلوده و متنجس شده‌اند، ملاک اتصال و امتزاج را عرف دانسته‌اند و به اعتقاد ایشان دقت‌های عقلی در طهارت آب‌های آلوده ضرورتی ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۸؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۵؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۸۸؛ اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۸۲).

۵. دیدگاه‌های فقها درباره روش‌های تطهیر آب‌های آلوده

۵-۱. ادله فقهی قائلان نظریه امتزاج

دلیل اول: استصحاب

استصحاب نجاست از ادله قائلان نظریه امتزاج است؛ بر این اساس بعد از اتصال آب تصفیه شده - که اوصاف ثلاثه نجاست آن زائل شده است - به آب عاصم، چنانچه شک کنیم که آیا آب نجس است یا طاهر، بنا بر دلیل استصحاب حکم به نجاست آب خواهیم کرد. بنابراین بنا بر گفته فقها، آب متنجس قبل از امتزاج، به دلیل استصحاب نجاست محکوم به نجاست است؛ زیرا اگر در طهارت آن به مجرد اتصال به آب عاصم شک کنیم، به دلیل اینکه دلیلی برای طهارت آن نداریم، حکم به نجاست آب خواهیم کرد (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۸۱).

دلیل دوم: تحقق اتحاد اجزای آب

دلیل بعدی قائلان نظریه امتزاج آن است که برای تطهیر آب متنجس هنگام اتصال به آب عاصم، تحقق اتحاد اجزای آب لازم است و این امر بعد از امتزاج حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر آب باید در نظر عرف متحد باشد تا حکم بعضی را به بعض دیگر سرایت دهیم. و اتحاد آب وقتی محقق می‌شود که امتزاج حاصل شود؛ چرا که آب واحد بالاجماع دارای دو حکم نیست، یعنی این امکان وجود ندارد که بخشی از آب واحد طاهر و بخشی دیگر از آن متنجس باشد (اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۸۲).

دلیل سوم: شرطیت استهلاک

دلیل دیگر قائلان نظریه امتزاج، شرطیت استهلاک در تطهیر آب متنجس است. استهلاک در اصطلاح فقهی به معنای پراکنده شدن اجزا و از بین رفتن حالت ظاهری آن به کار می‌رود. استهلاک یا به جهت ناچیز بودن «مستهلک» (استهلاک شده) و فزونی «مستهلک فیه» (آنچه استهلاک در آن تحقق یافته) است - مانند استهلاک قطره‌ای خون در آب زیاد - و یا به جهت هم جنس بودن مستهلک و مستهلک فیه، مانند استهلاک





قطره‌ای آب در آب بیشتر. مراد از استهلاک در بیشتر موارد به‌ویژه نزد متأخران، نوع نخست است. اطلاق استهلاک بر نوع دوم مسامحه است؛ زیرا امتزاج چیزی با هم جنس خود موجب افزایش آن خواهد بود، نه نابودی (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۶۴). فقها درباره شرط استهلاک در تطهیر آب‌های آلوده و نجس معتقدند صرفاً در صورت امتزاج است که عین نجس در آب مستهلک شده و ماهیت قبل خود را از دست می‌دهد و تطهیر می‌شود، و در واقع ملاک در طهارت آن است که امتزاج به گونه‌ای باشد که آب نجس در آب طاهر مستهلک شود (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۲۷).

این نکته را نیز باید در اینجا گفت که طبق نظر فقها، ضابط و معیار استهلاک عرف است؛ در این باره در موسوعه الفقهاء الإسلامی آمده است: «والضابط فی الاستهلاک- کما فی الاستحالة- هو نظر العرف لا العقل»؛ ضابطه در استهلاک مثل استحاله عرف است نه دقت عقلی (شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۱، ص ۱۷۹). محقق سبزواری نیز قائل به عرفی بودن استهلاک شده است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۴۱).

۵-۲. نقد و بررسی ادله قائلان نظریه امتزاج

نقد دلیل اول:

استصحاب در فرض مذکور جاری نمی‌شود و محل نزاع از باب اقل و اکثر استقلالی است نه از باب استصحاب؛ توضیح آنکه علم اجمالی داریم که آب آلوده یا با اتصال، و یا با اتصال و امتزاج پاک و تطهیر می‌شود. اتصال آب آلوده تصفیه شده به آب عاصم محل علم تفصیلی و یقینی است، حال در مورد امتزاج (که آیا علاوه بر اتصال نیاز به امتزاج آب آلوده تصفیه شده به آب عاصم وجود دارد)، شک بدوی می‌شود که در شک بدوی برائت جاری می‌شود و بر اساس برائت نیازی به امتزاج نیست و اتصال آب عاصم به آب آلوده تصفیه شده کفایت می‌کند. به عبارت دیگر در محل بحث اتصال یقینی است و چه متقدمان و چه متأخران معتقدند اتصال باید باشد، حال علاوه بر اتصال، امتزاج هم باید باشد یا نه؟ که در اینجا اصل برائت جاری می‌شود.

نقد دلیل دوم:

دلیل دوم نیز قابل مناقشه است؛ زیرا اگر مراد از امتزاج، مزج جمیع اجزاء و سطوح آب باشد، به طوری که اتحاد اجزاء محقق شود، به دو دلیل غیرقابل قبول است؛ زیرا اولاً امتزاج و ممازجه تمام اجزاء امکان ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۵۴)، ثانیاً اتحاد اجزای آب عرفاً با اتصال حاصل می شود و نیازی به امتزاج نیست (وجدانی فخر، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۹۹).

نقد دلیل سوم:

این دلیل نیز برای اثبات مدعا کامل نیست؛ در این باره مرحوم حلی در بیان نقد دلیل استهلاک آب نجس در آب طاهر سه احتمال از امتزاج را مطرح می کند:

احتمال اول: اگر مراد از امتزاج، استهلاک آب منتجس در آب کر باشد؛ یعنی آب منتجس باید فانی در آب عاصم شود تا طاهر شود این استهلاک در بسیاری از موارد محقق نشده، ولی مع ذلک حکم به طهارت شده است؛ مثلاً اگر آب کر منتجسی «که سابق نجس بوده و در آن آب ریخته شده تا به حد کر رسیده» در آب کر دیگری ریخته شود، در این فرض چون هر دو آب تقریباً به یک اندازه است اتصال آب اول در آب دوم محقق می شود ولی آب اول عادتاً مستهلک در آب کر طاهر نمی شود، زیرا فرض این است که هر دو تقریباً به یک اندازه اند و استهلاک در فرض قلت آب در آب کثیر محقق می شود؛ در نتیجه در این صورت استهلاک نیست، ولی در همین صورت فقها حکم به طهارت نموده اند.

احتمال دوم: اگر مراد از امتزاج که شرط در طهارت است، این باشد که تمام جزء جزء آب منتجس در آب طاهر ترکیب شود، این امر هم عادتاً محال است؛ چنان که مرحوم علامه حلی در منتهی این فرض را محال دانسته است.

احتمال سوم: اگر مراد از امتزاج بعضی از اجزای آب منتجس با آب کر به صورت موجه جزئی باشد، یعنی بعضی از اجزای آب منتجس با آب عاصم ترکیب شود دون بعض الآخر، در این صورت اگر با این ترکیب مجموع آب طاهر باشد که حاصل المطلوب، و اگر بگویید بخشی از آب نجس و بخش دیگر آن پاک است، این تفصیل



صحیح نیست؛ زیرا آب واحد دارای دو حکم نیست، و اگر بگویید مجموع آب نجس باشد، این کلام هم با عاصمیت آب کَرّ سازگار نیست (حلی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵).
 بنابراین در مجموع باید گفت هیچ‌یک از ادله قائلان نظریه امتزاج یعنی استصحاب، شرطیت استهلاک و تحقق اتحاد جمیع اجزای آب در تطهیر آب‌های آلوده و متنجس، دلیل کامل و روشنی بر قبول آن ندارد و می‌توان این ادله قائلان نظریه امتزاج را مورد مناقشه و نقد قرار داد.

۵-۳. ادله فقهی قائلان نظریه اتصال

۵-۳-۱. روایت سکونی

مَا أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْمَاءُ يُطَهَّرُ وَلَا يُطَهَّرُ؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا فرموده است آب طاهر می‌کند ولی طاهر نمی‌شود» (شیخ طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۵).

نحوه استدلال به این روایت بدین گونه است که اولاً به دلیل اطلاق عبارت «الْمَاءُ يُطَهَّرُ»، آب موجب تطهیر اشیاء مختلف، حتی آب‌های آلوده است، ثانیاً از آنجا که در این فقره از روایت، تطهیر آب‌های آلوده، مقید به امتزاج نشده است، از این رو صرف اتصال برای تطهیر آب‌های متنجس کافی است. از فقهای که با استناد به این روایت، قائل به نظریه اتصال شده‌اند، می‌توان به محقق سبزواری اشاره کرد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۸).

۵-۳-۲. روایت کاهلی

وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْكَاهِلِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ يَرَاهُ مَاءَ الْمَطَرِ فَقَدْ طَهَّرُ؛ هر آبی که آب باران بدان اصابت کند طاهر می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۶).



فقه

نحوه استدلال به این روایت بدین گونه است که اولاً «کل شیء» شامل آب متنجس در مانحن فیه می شود و ثانیاً عبارت «يَرَاهُ مَاءُ الْمَطَرِ» صرف اتصال را شامل می شود ولو امتزاج نباشد. از فقهای که با استناد به این روایت، اتصال را در تطهیر آب متنجس - که اوصاف ثلاثه (رنگ، بو و مزه) آن زائل شده است - کافی دانسته اند، می توان به صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، صص ۱۴۵، ۱۵۰) و محقق سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۸) اشاره کرد.

۵-۳-۳. اخبار ماء الحمام

از جمله روایاتی که قائلان نظریه اتصال در تطهیر آب های متنجس بدان استناد می کنند، روایات ماء الحمام است که مفاد آن طهارت حوضچه های حمام متصل به خزینه است. در اینجا به بعضی از این روایات می پردازیم:

روایت اول: روایت داود بن سرحان

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي مَاءِ الْحَمَّامِ قَالَ هُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمَاءِ الْجَارِي؛ به امام صادق علیه السلام گفتم نظرتان درباره آب حمام چیست؟ فرمود: «به منزله آب جاری است» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۸).

بررسی سندی نشان می دهد که این روایت به دلیل داشتن راویان ثقه و امامی: احمد بن محمد (شیخ طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۵۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۱)، عبدالرحمن بن ابی نجران (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۵؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۱۴)، و داود بن سرحان (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۵۹، علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۶۹) صحیح و معتبر است.

به لحاظ دلالتی نیز شیوه استدلال به این دسته از روایات بدین گونه است که آب حوضچه های حمام که معمولاً کمتر از مقدار کراهت است، اگر متنجس شود، به علت اتصال به خزینه طاهر و بلکه مطهر غیر خواهد بود. در این روایات مجرد اتصال این حوضچه ها به آب خزینه موجب برای طهارت آنها ذکر شده و این در حالی است که آب حوضچه ها معمولاً در آب خزینه ممزوج نمی شود.



روایت دوم: روایت بکر بن حبیب

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَاءُ الْحَمَّامِ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا كَانَتْ لَهُ مَادَّةٌ؛ آب حمام، شکی در [طهارت] آن نیست، زیرا که دارای ماده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۸).

این روایت به لحاظ سندی معتبر است. البته ممکن است برخی در سند این روایت مناقشه کرده و معتقد باشند اولاً این روایت مرسله است و ثانیاً راوی حدیث یعنی بکر بن حبیب فردی ضعیف است. در جواب به مناقشه باید گفت اولاً درست است که روایت مرسله است، ولی مرسله‌ای که اصحاب به آن عمل کرده‌اند، و عمل اصحاب هم جابر ضعف سند است. ثانیاً چون در سند روایت صفوان بن یحیی وجود دارد که از اصحاب اجماع است (کشی، ۱۳۴۸، ص ۵۵۶)، بنابراین روایت معتبر خواهد بود؛ زیرا در این باره قانونی وجود دارد که اگر روایتی مرسل باشد یا راوی آن معلوم نباشد، اگر یکی از راویان آن از اصحاب اجماع باشد، می‌توان به آن روایت عمل کرد. البته این قانون مورد نقد و خدشه فقها قرار گرفته و ایشان معتقدند در تمام کتب فقهی از آغاز طهارت تا پایان دیات کسی برخورد نکرده که فقهی از فقهای شیعه به خبری ضعیف عمل کرده و چنین استدلال کند که سند این روایت تا یکی از اصحاب اجماع صحیح است (خویی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۱).

به لحاظ دلالتی نیز شیوه استدلال به این دسته از روایات بدین گونه است که عدم‌بأس در روایت به خاطر وجود ماده برای ماء الحمام، باعث می‌شود آب حوضچه حمام در اتصال با خزینه که طاهر و مطهر غیر است، موجب طهارت شود (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸۶).

روایت سوم: روایت ابی الحسن الماضي

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَأَسِطِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي قَالَ: سُئِلَ عَنْ مُجْتَمِعِ الْمَاءِ فِي الْحَمَّامِ مِنْ عَسَائِلِ النَّاسِ يُصِيبُ التُّؤَبَ قَالَ



فقه

لَا بَأْسَ؛ از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدند: «از آب بالوعه و چاه حمام که از غسله و پساب مردم جمع شده، اگر به لباس انسان برسد و جامه شخص به آن آلوده شود حکم آن چیست؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۹).

این روایت به لحاظ سندی ضعیف است، چون مرسله است. به لحاظ دلالتی نیز عدم بَأْس از غسله‌ای که به لباس اصابت کرده است (به عبارت دیگر عدم نجاست لباسی که غسله بدان اصابت کرده است) نشان می‌دهد که ماء الحمام پاک بوده و این حکم بدان سبب است که آب حوضچه‌های حمام به خزینه متصل است و از آنجا که خزینه دارای ماده است، مجرد اتصال آب حمام به خزینه موجب طهارت ماء الحمام خواهد شد و نیازی به امتزاج نیست.

روایت چهارم: روایت حنان

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلًا يَقُولُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَدْخُلُ الْحَمَّامَ فِي السَّحْرِ وَفِيهِ الْجُنُبُ وَغَيْرَ ذَلِكَ فَأَقُومُ فَأَغْتَسِلُ فَيَنْتَضِحُ عَلَيَّ بَعْدَ مَا أَفْرَغُ مِنْ مَائِهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هُوَ جَارٍ قُلْتُ بَلَى قَالَ لَا بَأْسَ؛ شنیدم که مردی به امام صادق علیه السلام می‌گفت: «من در سحرگاهان وارد حمام می‌شوم و در آنجا افراد جنب و کسان دیگری غسل می‌کنند و من نیز در آنجا غسل می‌کنم و پس از پایان غسل مقداری آب از آنها به من می‌پاشد. چگونه است؟» فرمود: «آیا آن آب جاری نیست؟» گفت: «آری.» فرمود: «ایرادی ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۴).

این روایت به لحاظ سندی موثق و دارای اعتبار است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸۵؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۲۱). به لحاظ دلالتی نیز شیوه استدلال بدین گونه است که عدم بَأْس در صورت جریان آب و اتصالش به ماده، نشان آن است که ماء الحمام اعتصام دارد و به مجرد اتصال آب متنجس به خزینه، آب متنجس طاهر خواهد شد (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۹۰).



روایت پنجم: روایت ابن ابی یعفور

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ... أَحْبَبْتُ عَنْ مَاءِ الْحَمَّامِ يَغْتَسِلُ مِنْهُ الْجُنُبُ وَالصَّبِيُّ وَالْيَهُودِيُّ وَالنَّضْرَانِيُّ وَالْمَجُوسِيُّ فَقَالَ إِنَّ مَاءَ الْحَمَّامِ كَمَاءِ النَّهْرِ يُطَهِّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛ راوی می گوید: «گفتم مرا از آب حمامی که در آن جنب، کودک، یهودی، مسیحی و مجوسی غسل می کنند آگاه کن که حکمش چیست»، فرمود: «آب حمام همانند آب نهر است که بعضی از آن بعضی دیگر را پاک می کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۴).

این روایت به لحاظ سندی به علت اینکه بعضی از راویان حدیث ذکر نشده است (عن بعض اصحابنا)، مرفوعه است و قابل اعتنا نیست و نحوه استدلال این روایت نیز بدین گونه است که آب حمام به علت غسل جنب، کودک، یهودی، مسیحی و مجوسی در آن منفعل است و تطهیر آن به واسطه اتصال این آب به خزینه است و از آنجا که در این روایت مطلق است و تطهیر آن مقید به امتزاج نشده است، از این رو مجرد اتصال برای طهارت آب متنجس کفایت می کند (حائری، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۲۴).

بنابراین از مجموع این روایات به خوبی استفاده می شود که اولاً صرف اتصال آب متنجس در حوضچه ها به آب خزینه، کافی در طهارت آن است، و اگر این امر را در مورد آب حوضچه های حمام بپذیریم، با الغای خصوصیت از خصوص آب خزینه، شامل آب های عاصم دیگر نیز می شود. ثانیاً اگر بخشی از آب حوض بزرگی متغیر به اوصاف نجس شود، سپس حالت تغیر و اضافه آن بخش زائل شود، به مجرد اتصال به بخش دیگر آن که به قدر کر است پاک خواهد شد، ولو اینکه هنوز با مجموع آب ممزوج نشده باشد.

۵-۳-۴. روایت ابن بزیع

عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى رَجُلٍ أَسْأَلُهُ أَنْ يَسْأَلَ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام فَقَالَ مَاءُ الْبُرِّ وَاسِعٌ لَا يُفْسِدُهُ



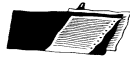
فقه

شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يَتَغَيَّرَ رِيحُهُ أَوْ طَعْمُهُ فَيُنْتَرَحُ مِنْهُ حَتَّى يَذْهَبَ الرَّيْحُ وَ يَطْيِبَ طَعْمُهُ لِأَنَّ لَهُ مَادَّةً؛ آب چاه واسع است و چیزی آن را فاسد نمی کند، مگر آنکه آب به واسطه نجاست تغییر یابد، یعنی رنگ، بو یا مزه آن تغییر کند، چون آب چاه دارای ماده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳۴).

این روایت به لحاظ سندی معتبر است. راویان این روایت: سعد بن عبدالله (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۷؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۷۸)، احمد بن محمد (شیخ طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۵۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۱)، و محمد بن اسماعیل بن بزیع (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۰؛ علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۳۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۶۴)، همگی در منابع معتبر توثیق شده اند.

به لحاظ دلالتی نیز شیوه استدلال به این روایت بدین گونه است که با توجه به تعلیل در روایت ابن بزیع: «لِأَنَّ لَهُ مَادَّةً»، علت طهارت آب چاهی که نجس در آن افتاده، بعد از زوال تغییر، وجود ماده در آب چاه و اتصال آب نجس به آن ماده است؛ لذا از این تعلیل استفاده می شود که هر آب متغیر چنانچه اوصاف نجس از آن زائل شود به مجرد اتصال به آبی که دارای ماده است پاک خواهد شد و نیازی به امتزاج با آن آب ندارد. آیت الله خویی در کتاب الطهاره به این روایت تمسک کرده و معتقد است: «كفاية الاتصال بالعاصم في تطهير الماء المتنجس من دون اعتبار الامتزاج، عمدتها عموم التعليل في صحیحة ابن بزيع لطهر ماء البئر بعد زوال تغيره ب أن له مادة»؛ در تطهیر آب متنجس، اتصال آن به عاصم کفایت می کند و امتزاج اعتبار ندارد، دلیل آن نیز عموم تعلیل در صحیحه ابن بزيع است. طهارت آب چاه متنجس بعد از زوال تغییر آن به دلیل ماده داشتن آن است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۵).

شهید صدر نیز در این باره می نویسد: «خبر ابن بزيع المشتمل على التعليل بقوله "لأنه له مادة" - فقد استدل به على كفاية الاتصال في الحكم بالمطهرية، باعتبار أن تمام العلة المذكورة للمطهرية هو المادة، فلو فرض أن الامتزاج كان دخيلاً في المطهرية لأشير إليه في التعليل أيضاً، و حيث أنه لم يذكر واقتصر على ذكر صرف المادة الذي لا يساوق الامتزاج وإنما يساوق الاتصال، فيكون دالاً على كفاية الاتصال بالمادة في التطهير»؛ به تعبیر شهید صدر تمام العله در طهارت آب وجود ماده است و اگر امتزاج در مطهریت



دخیل بود باید در روایت ذکر می‌شد و از آنجا که ذکر نشده است، صرف اتصال برای مطهریت کفایت می‌کند (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۹۴).

۴-۵. نقد و بررسی ادله قائلان نظریه اتصال

۴-۵-۱. نقد روایت سکونی

روایت سکونی قابل اعتنا نیست؛ زیرا اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی در منابع معتبر رجالی فردی غیر امامی معرفی شده و تضعیف شده است (علامه حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۹۹؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۷۱). علاوه بر این، بزرگان فقه امامیه در منابع فقهی، مانند محقق حلی در شرائع الإسلام (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۱۲)، علامه حلی در تحریر الاحکام (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۷)، و شهید ثانی در مسالک الافهام (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۲۳)، سکونی را فردی ضعیف دانسته و روایات وی را کنار گذاشته‌اند.



۴-۵-۲. نقد روایت کاهلی

روایت کاهلی نیز قابل اعتنا نیست؛ زیرا این روایت مرسله است و روایات مرسله نیز معتبر نیستند.

۴-۵-۳. نقد روایات ماءالحمام

بررسی این دسته از روایات نشان می‌دهد که روایات ماءالحمام به‌جز روایت داود بن سرحان و روایت حنان، به‌لحاظ سندی نمی‌توانند اعتبار لازم برای اثبات نظریه اتصال در تطهیر آب‌های آلوده داشته باشند. البته این دو روایت نیز به‌لحاظ دلالتی نمی‌توانند حجیت کافی برای اثبات مدعا داشته باشند. به‌لحاظ دلالتی شیوه استدلال به این روایات بدین‌گونه است که آب حوضچه‌های حمام که معمولاً کمتر از مقدار کر است اگر متنجس شود، به‌منزله آب جاری بوده و به‌علت اتصال به خزینه، طاهر خواهد بود. در این روایات مجرد اتصال این حوضچه‌ها به آب خزینه علت طهارت آنها ذکر شده و در واقع فرقی ندارد که خزینه به‌اندازه کر باشد یا نباشد و همچنین اینکه ماده داشته باشد یا نداشته باشد.

فقه

اما نقد اساسی که در اینجا مطرح است آن است که این گونه نیست که ماء الحَمَام از جمیع حیثیات به منزله ماء الجاری باشد، و با استناد به این روایات نمی توان ماء الحَمَام را از جمیع حیثیات و احکام به منزله ماء جاری دانست. در واقع بنا بر اقوال فقها به شرطی می توان ماء الحَمَام را به منزله آب جاری دانست و ماء الحَمَام را معتصم فرض کرد که خزینه دارای ماده باشد یا اینکه خزینه به مقدار کر رسیده باشد. دلیل این مسئله دو دلیل لفظی است:

الف. صحیحہ ابن بزیر از امام رضا علیه السلام: «ماء البئر واسع لا ینجسه شیء الا أن یتغیر ریحہ أو طعمه فینزح حتی یدهب الریح ویطیب طعمه لأن له ماده». این روایت اگرچه در مورد آب چاه است، ولی فقها تعلیل در آن را متوجه غایت دانسته اند، بنابراین حکم اعتصام در آن شامل هر آبی که دارای ماده است، مانند آب حوضچه های حمام می شود (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۹۲).

ب. اطلاق نصوصی که در آنها از آب حمامی که ماده دارد نفی بآس شده است؛ مانند روایت بکر بن حبیب: «ماء الحَمَام لا بآس به اذا کانت ماده». اطلاق این روایت شامل صورتی که آب حوضچه متنجس گردد، سپس به ماده متصل گردد می شود؛ یعنی آب حوضچه ها پاک است؛ چه اتصال پیش از تنجس برقرار باشد و چه بعد از نجس برقرار گردد.

۴-۴-۵. نقد و بررسی روایت ابن بزیر

نقدی که بر روایت ابن بزیر وارد است آن است که از آنجا که این روایات دارای احتمالات است، روایت مجمل بوده و نمی توان در مانحن فیه بدان تمسک کرده و با استناد این روایت، حکم به عدم اشتراط امتزاج نمود. این احتمالات عبارت است از:

احتمال اول: تعلیل برای خصوص صدر روایت باشد؛ در این صورت این امر دلالت بر این دارد که آب چاه به جهت وجود ماده، نجاست را از خود دفع کرده و متنجس نمی شود؛ چرا که تعلیل برای عدم افساد آب چاه است و دلالت بر رفع نجاست یعنی مطهریت لغیر ندارد تا نتیجه بگیریم که آب متنجس به مجرد اتصال به آب چاه پاک





خواهد شد. در نتیجه اگر تعلیل متعلق به صدر روایت باشد دلالت دارد بر اینکه آب چاه تنها نجاست را دفع می‌کند، یعنی آب چاه منفعل نمی‌شود، ولی دلالت ندارد بر اینکه رافع نجاست و مطهر غیر هم باشد تا بتوان به جهت این تعلیل دو اثر رفع و دفع را از روایت استفاده نمود.

احتمال دوم: تعلیل ذیل روایت باشد؛ در این صورت در مقام اخبار به این مطلب است که آب چاه چون دارای ماده و جوشش است، به وسیله نزع، اوصاف نجس از آن به تدریج از بین می‌رود و تدریجاً طعم و بوی طبیعی چاه برمی‌گردد؛ برخلاف آب راکد که ماده ندارد و با نزع بخشی از آن اوصاف نجس از آن زائل نمی‌شود.

احتمال سوم: تعلیل برای مجموع صدر و ذیل روایت باشد؛ تعلیل برای هر دو بخش ذیل و صدر باشد و از آن طهارت و مطهریت آب چاه بعد از زوال تغییر به واسطه نزع استفاده شود. با این احتمال، روایت شامل اثر رفع و دفع خواهد شد.

از این رو چون احتمال‌های سه‌گانه در تعلیل روایت وجود دارد، روایت مجمل بوده و نمی‌توان به این تعلیل در مانحن‌فیه تمسک نموده و بگوییم آب چاه به خاطر وجود ماده در آن واحد، طاهر و مطهر غیر است، یعنی هم دافع نجاست و هم رافع نجاست است. در پاسخ به این اشکالات باید گفت:

احتمال اول و دوم قابل‌پذیرش نیست؛ احتمال اول قابل‌پذیرش نیست چون ارجاع تعلیل به خصوص صدر روایت صحیح نیست، زیرا اگر استثنا و یا تعلیل در پی جمل متعدد ذکر شود، به عنوان مثال اگر مولی بگوید «اکرم العلماء والشعراء والنحویین إلا الفساق منهم»، در اینجا دو احتمال وجود دارد: احتمال اول اینکه تعلیل یا استثنا راجع به جمله اخیر باشد، و احتمال دوم اینکه راجع به مجموع جمل باشد و کسی قائل به این مطلب نشده است که استثنا راجع به خصوص جمله اول است، مگر اینکه قرینه‌ای بر آن دلالت کند.

احتمال دوم نیز قابل‌پذیرش نیست، چون رجوع تعلیل به ذیل روایت صحیح نیست؛ زیرا نزع آب چاه تا اینکه طعم و بوی آن طبیعی شود به سبب جوشش آب طبیعی از ماده، امری عادی و طبیعی است و مناسب مقام تشریح نیست.

در نتیجه تعلیل راجع به مجموع ذیل و صدر روایت است و از آن طهارت و مطهریت آب چاه بعد از زوال تغییر به واسطه نزع استفاده می‌شود. با این احتمال روایت شامل اثر رفع و دفع خواهد شد و دلالت دارد بر اینکه آب متنجس متغیّر بعد از زوال تغییر به مجرد اتصال به آب چاه طاهر می‌شود و طهارت آن مشروط به امتزاج به آب چاه نشده است، و از طرفی آب چاه خصوصیت ندارد و به مقتضای تعلیل «لَأَنَّ لَهُ مَادَّةً»، هر آبی که دارای ماده باشد به مجرد اتصال به آب عاصم طاهر خواهد شد.

در اینجا چنانچه اشکال شود که مطهریت آب چاه را به مجرد اتصال به متنجس نمی‌توان با دیگر آب‌ها قیاس نمود، چرا که جوشش در آب چاه اقتضای امتزاج دارد، از این جهت در روایت مذکور امتزاج شرط نشده است و در نتیجه نمی‌توان حکم به طهارت آب‌های دیگر بدون امتزاج نمود، در پاسخ به این اشکال این چنین پاسخ می‌دهیم: فقره «لَأَنَّ لَهُ مَادَّةً» در روایت ابن بزیع برای طهارت و مطهریت آب چاه به عنوان تعلیل ذکر شده است و این تعلیل شامل همه آب‌های دارای ماده می‌شود و حضرت علیه السلام در تعلیل امتزاج را شرط ندانسته‌اند.

از فقهای که با استناد به روایت ابن بزیع قائل به نظریه اتصال شده‌اند، می‌توان به سید محسن حکیم در مستمسک عروة الوثقی (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۰۱) و محقق سبزواری در مهذب الاحکام (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۵۱) اشاره کرد. همچنین طبق نظر فقها و با استناد به روایت مذکور، فهم عرفی در نظریه اتصال کفایت می‌کند و نیازی به دقت‌های عقلی نیست (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۸).

نتیجه‌گیری

شیوه تطهیر آب‌های متنجس (فاضلاب) در فقه امامیه از مسائلی است که فقها در منابع فقهی بدان پرداخته‌اند. به‌طور کلی دو دیدگاه عمده در این باره وجود دارد؛ عده‌ای از فقها قائل به نظریه اتصال و برخی دیگر نیز اتصال را برای طهارت کافی ندانسته و قائل به نظریه امتزاج شده‌اند. بر اساس ادله قائلان نظریه امتزاج، به مجرد اتصال فاضلاب تصفیه شده - که فاقد اوصاف ثلاثه نجاست، یعنی بو، رنگ و طعم باشد - به آب‌های



عاصم، موجب طهارت نخواهد شد و امتزاج نیز لازم است. از مهم‌ترین ادله قائلان این نظریه می‌توان به استصحاب، وحدت اجزای آب، شرطیت استهلاک و سیره متشرعه اشاره کرد. البته بر هر یک از این ادله نقدهایی وارد است که آن را از حجیت ساقط می‌کند.

در مقابل نظریه امتزاج، نظریه اتصال است که مهم‌ترین دلیل برای اثبات این نظریه، روایت ابن‌بزیع است که به‌لحاظ سندی و دلالتی کاملاً معتبر است. به‌لحاظ سندی، راویان این روایت همگی ثقه و امامی هستند و به‌لحاظ دلالتی نیز شیوه استدلال به این روایت بدین‌گونه است که از تعلیل روایت ابن‌بزیع «لَأَنَّ لَهُ مَادَّةً» استفاده می‌شود که هر آب متغیر چنانچه اوصاف نجس از آن زائل شود، به‌مجرد اتصال به آبی که دارای ماده است پاک خواهد شد و نیازی به امتزاج با آب طاهر ندارد؛ زیرا که اگر نیاز به امتزاج داشت لازم بود در روایت بیان می‌شد. گرچه روایات دیگر مثل روایت سکونی، روایت کاهلی و روایات ماء‌الحمام که برای اثبات نظریه اتصال بدان استناد شده است به‌لحاظ سندی یا دلالتی معتبر نیست، ولی می‌توان این روایات را به‌عنوان معاضد برای برای اثبات نظریه اتصال در تطهیر آب‌های آلوده دانست.



ف

فهرست منابع

۱. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۲. اردبیلی، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). جامع الرواة وإزاحه الاشتباهات عن الطرق والاسناد. بیروت: دار الأضواء.
۳. اصفهانی، محمدتقی رازی نجفی. (۱۴۲۷ق). تبصرة الفقهاء. قم: مجمع الذخائر الإسلامیه.
۴. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب الطهاره. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضره. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. بهجت، محمدتقی. (۱۴۲۶ق). جامع المسائل. قم: دفتر معظم‌له.
۷. پورجمال، یعقوب؛ آیتی، محمدرضا. (۱۳۹۳). اعتباری یا واقعی بودن طهارت و نجاست از منظر ادله شرعیه. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۳۸(۱۱).
۸. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۶ق). تنقیح مبانی العروه. قم: دارالصدیقه الشهیده.
۹. حائری یزدی، مرتضی. (۱۴۲۶ق). شرح العروه الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البت.
۱۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء (چاپ اول). قم: مؤسسه آل‌البت.
۱۲. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۰۲ق). رجال علامه حلی. قم: الشریف الرضی.
۱۴. حلی، حسین. (۱۳۷۹). دلیل العروه الوثقی. نجف: مطبعة النجف.
۱۵. حلی، محقق، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). المعتبر. قم: مؤسسه سیدالشهداء.
۱۶. حکیم، سید محسن طباطبایی. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروه الوثقی. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۱۷. خمینی، سید روح‌الله. (بی تا). تحریر الوسیله. قم: دارالعلم.





۱۸. خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۸ق). فقه الشیعه (چاپ سوم). قم: مؤسسه آفاق.
۱۹. خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۳۹۰). معجم رجال الحدیث. قم: مرکز نشر الثقافة الإسلامية فی العالم.
۲۰. دهخدا، علی اکبر. لغتنامه دهخدا (چاپ دوم). تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات قرآن. لبنان: دارالعلم.
۲۲. رضایی، حامد؛ سعادت، سعید. (۱۳۹۷). استفاده از فاضلاب در کشاورزی فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها. نشریه مدیریت اراضی، ۲، صص ۲۱۳-۲۳۱.
۲۳. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مذهب الأحکام (چاپ چهارم). قم: المنار.
۲۴. صافی گلپایگانی، علی. (۱۴۲۷ق). ذخیره العقبی. قم: انتشارات گنج عرفان.
۲۵. صدر، محمدباقر. (۱۴۰۸ق). بحوث فی شرح العروة الوثقی. قم: مجمع الشهد آیت الله الصدر.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). عروة الوثقی (چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۷ق). الرجال الطوسی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۸ق). تهذیب الأحکام (چاپ اول). تهران: مکتبه صدوق.
۳۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة. قم: کتابفروشی داوری.
۳۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیه.
۳۳. علیزاده، ولی الله. (۱۳۸۸). پژوهشی در حکم فقهی فاضلاب تصفیه شده. فقه و تاریخ تمدن، ۹، صص ۸۸-۱۰۷.
۳۴. محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۳۵. فاضل لنکرانی، محمد. (بی تا). جامع المسائل (چاپ یازدهم). قم: انتشارات امیر قلم.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین (چاپ دوم). قم: هجرت.
۳۷. فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). المصباح المنیر. قم: انتشارات دارالرضی.
۳۸. قانع، علی اصغر؛ قنادی، مجید. (۱۳۹۶). آسیب شناسی اجرا و توسعه طرح های فاضلاب در ایران. نشریه علوم آب و فاضلاب، ۲۱(۲)، صص ۴۷-۵۰.
۳۹. کشی، محمد بن عمر. (۱۳۴۸). رجال الکشی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). کافی (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۱. کیهانیان، مسعود؛ چوبانوگوس، جورج. (۱۳۹۷). پتانسیل استفاده مجدد از آب برای مصارف خانگی، فرصت ها و چالش ها. مجله آب و فاضلاب، بخش سوم، صص ۶۱-۷۴.
۴۲. معین، محمد. (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات آدنا.
۴۳. میرزای قمی، ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). غنائم الأيام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۴. نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). رجال نجاشی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام (چاپ هفتم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. نجفی، حسن. (۱۴۲۱ق). جواهر الکلام فی ثوبه الجدید. قم: دائرة المعارف فقه اسلامی.
۴۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف اسلامی
۴۸. وجدانی فخر، قدرت الله. (۱۴۲۶ق). الجواهر الفخریه (چاپ دوم). قم: انتشارات سماء قلم.
۴۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۵۰. یوسفی، علی؛ مهدیان، شکبیا. (۱۳۹۳). ارزیابی ضرورت اقتصادی و اجتماعی بازیافت پساب در کشور. بازیافت آب، ۱۱(۱)، صص ۱-۷.



References

1. Alizadeh, W. (1388 AP). A study on the jurisprudential ruling on treated wastewater. *Journal of Jurisprudence and History of Civilization*, 9, pp. 88-107. [In Persian]
2. Allameh Heli, H. (1402 AH). *Rijal Allameh Heli*. Qom: Al-Sharif Al-Radhi. [In Arabic]
3. Allameh Heli, H. (1414 AH). *Tazkirah al-Foqaha*. (1st ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
4. Allameh Heli, H. (1420 AH). *Tahrir al-Ahkam*. (1st ed.). Qom: Imam Sadegh Institute. [In Arabic]
5. Ansari, M. (1415 AH). *Kitab al-Taharah*. Qom: World Congress in honor of Sheikh Azam Ansari. [In Arabic]
6. Ardabili, M. (1403 AH). *Jame' al-Ravat va Izaheh al-Ishtibahat an al-Toroq va al-Asnad*. Beirut: Dar Al-Azwa. [In Arabic]
7. Bahjat, M. T. (1426 AH). *Jame' al-Masa'il*. Qom: Ayatollah Bahjat office. [In Arabic]
8. Bahrani, Y. (1405 AH). *Al-Hada'iq al-Nazirah*. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
9. Dekhoda, A. A. (1377 AP). *Dekhoda Dictionary*. (2nd ed.). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
10. Esfahani, M. (1427 AH). *Tabsirah al-Foqaha*. Qom: Majma' al-Zakha'ir al-Islamiyah. [In Arabic]
11. Farahidi, K. (1410 AH). *Kitab Al-Ain*. (2nd ed.). Qom: Hijrat. [In Arabic]
12. Fayumi, A. (n.d.). *al-Misbah al-Munir*. Qom: Dar al-Razi Publications.
13. Fazel Lankarani, M. (n.d.). *Jame' al-Masa'il*. (11th ed.). Qom: Amir Ghalam Publications.
14. Ghane, A. A., & Qanadi, M. (1396 AP). Pathology of implementation and development of sewage projects in Iran. *Journal of Water and Wastewater Sciences*, 1(2), pp. 47-50. [In Persian]
15. Haeri Yazdi, M. (1426 AH). *Sharh al-Orwat al-Wothqa*. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
16. Hakim, S. M. (1416 AH). *Mustamsik al-Orwat al-Wothqa*. Qom: Dar al-Tafsir Institute. [In Arabic]
17. Hashemi Shahroudi, S. M. (1423 AH). *The Dictionary of jurisprudence ac-*



فقه

ording to the religion of AhlulBayt. Qom: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence Institute. [In Arabic]

18. Hashemi Shahroudi, S. M. (1426 AH). *The Dictionary of jurisprudence according to the religion of AhlulBayt*, Qom, Islamic Encyclopedia Institute. [In Arabic]
19. Heli, H. (1379 AP). *Dalil al-Orwat al-Wothqa*. Najaf: Matba'at al-Najaf.
20. Heli, Mohaqeq, J. (1407 AH). *al-Mutabar*. Qom: Sayyid al-Shuhada Institute. [In Arabic]
21. Hor Ameli, M. (1409 AH). *Wasa'il al-Shia*. Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
22. Ibn Manzoor, J. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr le al-Taba'at va al-Nashr al-Tawzi'. [In Arabic]
23. Kashi, M. (1348 AP). *Rijal al-Kashi*. Mashhad: Mashhad University Press. [In Persian]
24. Keyhanian, M., & Chubanoglu, G. (1397 AP). The Potential for reuse water for home use, opportunities and challenges. *Journal of Water and Wastewater*, Part 3, pp. 61-74. [In Persian]
25. Khoei, S. A. (1418 AH). *Fiqh al-Shia*. (3rd ed.). Qom: Afaq Institute. [In Arabic]
26. Khoei, S. A. M. (1390 AP). *Mujam Rijal al-Hadith*. Qom: Markaz Nashr al-Thaqafah al-Islamiyah fi al-Alam. [In Persian]
27. Khomeini, S. R. (n.d.). *Tahrir al-Wasilah*. Qom: Dar al-Ilm.
28. Koleyni, M. (1407 AH). *al-Kafi*. (4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
29. Mirza Qomi, A. (1417 AH). *Qana'im al-Ayam*. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
30. Moein, M. (1384 AP). *Moein Persian Dictionary*. Tehran: Adena Publications. [In Persian]
31. Mohaqeq Karaki, A. (1414 AH). *Jam'e al-Maqasid*. (2nd ed.). Qom: AlulBayt Institute. [In Arabic]
32. Najafi, H. (1421 AH). *Jawahir al-Kalam fi Tawbat al-Jadid*. Qom: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence. [In Arabic]
33. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam*. (7th ed.). Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic]
34. Najashi, A. (1365 AP). *Rijal al-Najashi*. Qom: Qom Seminary Teachers Association. [In Persian]
35. Pourjamal, Y., & Ayati, M. R (1393 AP). The validity or authenticity of puri-



- ty and impurity from the point of view of Shari'a arguments. *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, 38(11). [In Persian]
36. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Quran*. Lebanon: Dar al-Ilm. [In Arabic]
37. Rezaei, H., & Saadat, S. (1397 AP). Wastewater use in agriculture Opportunities, challenges and solutions. *Journal of Land Management*, 2, pp. 213-231. [In Persian]
38. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Mohazab al-Ahkam*. (4th ed.). Qom: Al-Manar. [In Arabic]
39. Sadr, M. B. (1408 AH). *Bahouth fi Sharh al-Orwat al-Wothqa*. Qom: Assembly of Ayatollah Al-Sadr. [In Arabic]
40. Safi Golpayegani, A. (1427 AH). *Zakhirah al-Oqba*. Qom: Ganj Erfan Publications. [In Arabic]
41. Shahid Thani, Z. (1410 AH). *al-Rawzah al-Bahiyah*. Qom: Davari Bookstore. [In Arabic]
42. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham*. Qom: Mu'asisah al-Ma'arif al-Islamiyah. [In Arabic]
43. Sheikh Tusi, M. (1407 AH). *Tahdhib al-Ahkam*. (4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
44. Sheikh Tusi, M. (1418 AH). *Tahdhib al-Ahkam*. (1st ed.). Tehran: Sadough School. [In Arabic]
45. Sheikh Tusi, M. (1427 AH). *al-Rijal al-Tusi*. Qom: Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
46. Tabatabaei Yazdi, S. M. K. (1409 AH). *Orwa al-Wothqa*. (2nd ed.). Beirut: Mu'asisah al-A'alami le al-Matbu'at. [In Arabic]
47. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *Translation of Tafsir Al-Mizan*. Qom: Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
48. Tabrizi, J. (1426 AH). *Tanqih Mabani al-Orwah*. Qom: Dar al-Sadiqah al-Shahidah. [In Arabic]
49. Vojdani Fakh, Q. (1426 AH). *Al-Jawahir Al-Fakhriya*. (2nd ed.) Qom: Sama Qalam Publications. [In Arabic]
50. Yousefi, A., & Mahdian, S. (1393 AP). Assessing the economic and social necessity of wastewater recycling in the country (Iran). *Journal of Water Reuse*, 1(1), pp. 1-7. [In Persian]



فصل